

جدافتادگی مناطق از سرزمین مادری

با سیاست بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها و مراکز استخدام دولتی



♦ دکتر سعید کریمی نسب

عضو هیئت‌علمی گروه معدن دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

در این مقاله، موضوع بومی‌گزینی از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است. بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی و دیگر بومی‌گزینی در گزینش دانشجویان دانشگاه‌ها به‌عنوان تأمین‌کننده عمده نیروی انسانی مورد نیاز مراکز دولتی. هر چند اهداف بومی‌گزینی در استخدام و در گزینش دانشجو متفاوت است ولی از منظر ریشه‌ای، هر دو نوع بومی‌گزینی از یک تفکر واحد ریشه گرفته‌اند. در فرآیند بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی و یا جذب دانشجویان برگزیده‌شدگان هیچ‌گاه نمی‌توانند فراتر از خودشان فکر و عملی داشته باشند؛ چرا که هر جا در اطراف خودشان نگاه می‌کنند افرادی شبیه خودشان را می‌بینند و تجربه جدیدی نیست که به یکدیگر انتقال دهند!! نیروی انسانی که در فرآیند گزینش دانشجویان بومی، با کمترین رقابت وارد دانشگاه بوم خودش شده است، در جغرافیای خودش زندانی شده است، پس از فراغت از تحصیل نیز مجدداً با امتیاز بومی بودن در مراکز صنعتی، آموزشی و ... دولتی زیست‌بوم خودش چرخه صنعت و دیگر مراکز دولتی در فرآیند بومی‌گزینی در عمل غالباً دانشجویانی وابسته و فراری از ریسک‌پذیری و بسیار محافظه‌کار تحویل جامعه می‌دهد!! غالب این دانشجویان در فرآیند تحقیق نیز تلاش دارند که با امکانات محلی پژوهش‌های خود را سامان دهند و از نوآوری به دور هستند! بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو در عمل نه‌تنها به نفع

داوطلبان استان‌های کم برخوردار نبوده، بلکه شانس رسیدن به دانشگاه‌های دولتی برای داوطلبانی که در استان‌های برخوردار زندگی می‌کنند به‌مراتب بیشتر می‌کند؛ به‌عبارت دقیق‌تر این سیاست‌گذاری باعث شده که ورود به دانشگاه‌های دولتی که اصلی‌ترین آن‌ها هم در تهران هستند برای داوطلبانی که در استان‌های دور از تهران زندگی می‌کنند تا حد زیادی به آرزوی دست‌نیافتنی تبدیل شود. جامعه‌ای که با رقابت آشنا نشود و قواعد آن را نیاموزد در هیچ عرصه‌ای رشد نمی‌کند. یکی از پیامدهای مثبت و سرنوشت‌ساز رقابت در یک جامعه، واقعی‌بینی است. چرا یک فرد خود را چندین برابر آنچه که هست تلقی می‌کند؟ این اتفاق وقتی رخ می‌دهد که فرد توانایی‌ها و مهارت‌های خود را در معرض چالش نبیند و بنابراین

در فرآیند بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی و یا جذب دانشجویان، برگزیده‌شدگان هیچ‌گاه نمی‌توانند فراتر از خودشان فکر و عملی داشته باشند؛ چرا که هر جا در اطراف خودشان نگاه می‌کنند افرادی شبیه خودشان را می‌بینند و تجربه جدیدی نیست که به یکدیگر انتقال دهند!! نیروی انسانی که در فرآیند گزینش دانشجویان بومی، با کمترین رقابت وارد دانشگاه بوم خودش شده است، در جغرافیای خودش زندانی شده است، پس از فراغت از تحصیل نیز مجدداً با امتیاز بومی بودن در مراکز صنعتی، آموزشی و ... دولتی زیست‌بوم خودش چرخه صنعت و دیگر مراکز دولتی را باید بچرخاند!

تصور می‌کند که مرکز ثقل جهان است. فردا روز فارغ‌التحصیلان بومی متوهم این مراکز دانشگاهی در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، هنر، علم و هر صنعت دیگری حضور پیدا خواهند کرد. این چنین افرادی که در صحنه‌های رقابت واقعی نبوده‌اند خود و مجموعه تحت پوشش خود را به ناکجاآباد خواهند برد. قوانینی که از چهارراه اندیشه و خلاقیت عبور نمی‌کنند یا قابلیت اجرا ندارند یا به‌راحتی و با کمترین هزینه ممکن همانند میادین قابل دور زدن و گاهی سلیقه‌ای اجرا شدن هستند و تأسف‌بارتر اینکه گاهی حتی اجرای برخی قوانین سبب ظهور تخلف و باعث تضییع ظالمانه حقوق محرومین و نخبگان واقعی این سرزمین می‌شود و به قول معروف قوانین به جای اینکه موی لای درزشان نرود به تار مویی بند هستند. هر چند قوانین بومی‌گزینی در استخدام و پذیرش دانشجو حرف اول و آخر را می‌زند، ولی نمی‌توان از منظر مسئولیت



-دلسوزی و اثربخشی سرمایه انسانی بومی با توجه به تعلق و تعهدی که نسبت به موطن خود دارد،
-بومی‌گزینی در راستای تعهد و مسئولیت اجتماعی صنایع منطقه است.

تاریخچه مصوبات قانونی بومی‌گزینی در گزینش دانشجو

موضوع بومی‌گزینی دانشجویان در دانشگاه‌ها به‌عنوان تأمین‌کننده عمده نیروی انسانی مورد نیاز مراکز دولتی، هر چند اهداف بومی‌گزینی در استخدام و در گزینش دانشجو متفاوت است ولی از منظر ریشه‌ای، هر دو نوع بومی‌گزینی از یک تفکر واحد ریشه گرفته‌اند.
اولین بار سال ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور درباره گزینش بومی را مصوب کرد. در این مصوبه تعریف و حدود بوم شامل سه قسمت: پنج قطب، نه ناحیه و استان می‌باشد. نواحی نه‌گانه و قطب‌های پنج‌گانه کشور به‌صراحت در آن مشخص شده است و بر اساس آن،

«شورای توسعه مدیریت مکلف است برای جذب داوطلبان بومی شهرستانی به استثنای شهر تهران و مراکز استان‌ها اولویت قائل شود. منظور از بومی شهرستان، متولد یا ساکن با سابقه حداقل ۱۰ سال سکونت در همان شهرستان می‌باشد.»

موافقان بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی چه استدلال‌هایی دارند؟

از جمله استدلال‌های موافقان بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی عبارت است از:
-ایجاد یکپارچگی جمعیتی،
-افزایش کارایی اقتصادی،
-نبود مشکلات اسکان و دوری از خانواده،
-نبود مشکل انتقالی بعد از کسب تجربه،
-متوقف ساختن مهاجرت از استان‌های محروم و مرزی،
-کاهش بیکاری در شهرستان و ایجاد امید در بین جوانان منطقه،
-آشنایی با فرهنگ، آداب‌ورسوم، تسلط بهتر به فرهنگ سازمانی،
-تکمیل فرصت‌های شغلی در صنایع هر شهرستان با نیروهای بومی آنجا،

اجتماعی زبان به کام کشید و نگاه نقادانه خود را در راستای اصلاح قانون مطرح نکرد.

تاریخچه مصوبات قانونی بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی

به‌کارگیری نیروهای متخصص و توانمند، شرط لازم برای نیل به اداره کارآمد و ایفای مطلوب خدمات عمومی است که تحقق این امر نیازمند حاکمیت اصول از جمله: وجود مجوز قانونی، برابری در احراز مشاغل عمومی و شایسته‌سالاری می‌باشد. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۸ قانون اساسی و ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب، ۱۳۸۶ این اصول را مقرر ساخته است، اما تقابل اولویت استخدام داوطلبان بومی در مشاغل عمومی با اصول فوق‌الذکر مباحثی را پدیدار می‌سازد.
مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۹ تحت عنوان قانون اصلاح ماده ۴۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی، ماده واحده‌ای را به انتهای ماده ۴۴ به شرح ذیل اضافه کرد:

همان منطقه محروم پذیرفته می‌شوند و از پذیرفته شدن در دانشگاه‌های سایر شهرها بویژه شهرهای بزرگ مانند تهران محروم می‌مانند. این امر منجر به تشدید محرومیت بخصوص در برخورداری از امکانات آموزشی و دانشگاه‌های برتر کشور می‌شود. در شرایط حاضر پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های کشور متأثر از عوامل و ترتیباتی است که توزیع دانشجویان در سراسر کشور را فارغ از رقابت علمی کنترل می‌کند.

علاوه بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری نیز با عنوان «آسیب‌شناسی نظام بومی‌گزینی دانشجو در آموزش عالی ایران» که در سال ۱۳۹۹ تهیه شده بود و سایر پژوهش‌هایی که مراکز علمی و پژوهشی یا پژوهشگران دانشگاهی انجام داده‌اند، جملگی آثار منفی بومی‌گزینی را بیشتر از آثار مثبت آن ارزیابی کرده و علاوه بر موارد مندرج در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس به موارد زیر نیز به‌عنوان پیامدهای بومی‌گزینی اشاره کرده‌اند: «تداوم چرخه توسعه‌نیافتگی مناطق کم‌برخوردار به دلیل به‌کارگیری نیروهای ضعیف و ناکارآمد از نظر فنی و تخصصی، تشدید رقابت‌های قومی و کم‌رنگ شدن منافع ملی، افت کیفیت آموزشی و تحصیلی، تشدید احساس تبعیض نسبت به مرکز، تشدید شکاف فرهنگی به دلیل توسعه‌نیافتگی متوازن، کاهش قربات و پیوند اقوام، افزایش تمایل به مهاجرت به کشورهای هم‌جوار و فعال شدن گسل‌های اجتماعی.»

مصوبه‌ای که کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان، کاهش مهاجرت درون کشوری و امکان قبولی بیشتر داوطلبان در منطقه بومی را هدف گرفته بود، اما در عمل باعث دورتر شدن داوطلبان از مراکز آکادمیک شد. نزدیک به ۲ دهه بعد، یعنی در سال ۸۷ بار دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی و به پیشنهاد وزارت علوم، ضوابطی را در راستای گسترش بومی‌گزینی

- کاهش مهاجرت درون کشوری،
- امکان قبولی بیشتر داوطلبان در منطقه بومی خود.
مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌تر در گزارشی به بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو پرداخته و نشان داده بود که بومی‌گزینی موجب «تضعیف انسجام ملی و افزایش قومیت‌گرایی، تضعیف امنیت ملی، ممانعت از هم‌افزایی فرهنگی بین اقوام مختلف کشور، تشدید نابرابری‌ها و کاهش تحرک اجتماعی، تشدید نابرابری‌های آموزشی و تضعیف زبان مشترک ایرانیان یعنی زبان فارسی» می‌شود.
در این گزارش گفته شده است که داوطلبان مناطق محروم و کمتر برخوردار اکثراً در

رشته‌هایی که در مراکز دانشگاهی تمام استان‌های کشور وجود داشته باشد، رشته‌های استانی محسوب می‌شوند و رشته‌هایی که در برخی استان‌ها دایر نیستند و در استان‌های هم‌جوار وجود دارند به‌صورت ناحیه‌ای محسوب می‌شوند و برخی از رشته‌هایی که تنها در یکی از دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شوند رشته‌های کشوری محسوب می‌شوند.
عمده اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی برای بومی‌گزینی شامل موارد ذیل است:
- کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان نظیر مشکل کمبود خوابگاه، افت تحصیلی ناشی از دوری خانواده و مشکلات اقتصادی.



استخدامی به داوطلبان بومی، اختصاص امتیاز ویژه به آن‌ها یا اولویت استخدامی آن‌ها در صورت احراز شرایط برابر با دیگر داوطلبان موضوعیت یابد.

اصل برابری در احراز مشاغل عمومی یا برابری فرصت‌ها را می‌توان یکی از اساسی‌ترین اصول حاکم بر استخدام در مشاغل عمومی دانست. اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تصریح قرار گرفته است که برابری همه شهروندان در ورود به استخدام در دستگاه‌های دولتی و منع تبعیض در این خصوص تصریح دارند.

موافقان بومی‌گزینی در گزینش دانشجو چه استدلال‌هایی دارند؟

از جمله استدلال‌های موافقان بومی‌گزینی در گزینش دانشجو عبارت است از:

- کاهش مهاجرت‌های درون کشوری،
- تحقق عدالت آموزشی به‌خصوص در رشته‌های رایگان روزانه،
- کاهش مشکلات اقتصادی دانشجویان ناشی از مشکلات اقامتی و معیشتی،
- کاهش مشکلات روانی و اجتماعی دانشجویان ناشی از دوری خانواده و تضادهای قومی- فرهنگی،
- کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان و دانشگاه، نظیر مشکل خوابگاه، افت تحصیلی ناشی از دوری از خانواده و مشکلات اقتصادی،

- داوطلبان هر ناحیه با امتیازات در نظر گرفته شده، می‌توانند از امکان قبولی بیشتر در رشته‌های بومی بهره‌مند شوند،

- پذیرفته‌شدگان شهرها و نواحی مختلف کشور به‌خصوص مناطق محروم با اقامت در شهرهای بزرگ، پس از فراغت از تحصیل تمایلی به بازگشت به مناطق خود ندارند،

- جذب نخبه‌های متعلق به هر استان باعث ارتقای بیش از پیش سطح کیفی دانشگاه‌های آن استان می‌شود و رقابت علمی واقعی بین دانشگاه‌ها در کل کشور را فراهم می‌آورد و از تجمیع دانشجویان برتر در یک یا چند دانشگاه خاص جلوگیری می‌کند.

احساس تبعیض نسبت به مرکز، تشدید شکاف فرهنگی به دلیل توسعه‌نیافتگی متوازن، تضعیف زبان ملی، کاهش قرابت و پیوند اقوام، افزایش تمایل به مهاجرت به کشورهای همجوار، فعال شدن گسل‌های اجتماعی و کاهش تحرک اجتماعی همان چالش‌هایی است که در صورت تداوم پذیرش دانشجو به این طریق می‌تواند مشکلات جدی‌تری را متوجه کشور کند.

در کنار چالش‌های مطرح شده، عدم امکان جذب دانشجوی توانمند از دیگر استان‌ها، عدم تأثیرگذاری دانشگاه‌های مطرح بویژه در عرصه فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، کاهش سطح علمی دانشگاه‌های کشور بویژه در مناطق دور از پایتخت، فرصت‌سوزی در استفاده از استعدادهای نخبگان شهرستانی، ایجاد بستر ناسالم برای رقابت داوطلبان، ایجاد بی‌انگیزگی در میان داوطلبان استان‌های کم‌برخوردار برای رسیدن به دانشگاه‌های مهم و ... نیز از دیگر مشکلاتی است که پژوهشگران برای این شیوه پذیرش ذکر کرده‌اند.

به‌کارگیری نیروهای متخصص و توانمند، شرط لازم برای نیل به اداره کارآمد و ایفای خدمات مطلوب عمومی است. بومی‌گزینی در آزمون‌های استخدامی در مقرراتی که از سوی قوه مجریه وضع گردیده است، می‌تواند در قالب اختصاص تمامی سهمیه

این مصوبه در وهله اول قرار بود مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان را کاهش دهد، در حالی که به همان میزان رشد جمعیت دانشجویی، دانشگاه‌ها با چالش‌های اسکان دانشجویی و کمبود ظرفیت خوابگاهی روبه‌رو هستند؛ موضوعی که باعث می‌شود بخشی از دانشجویان مجبور به اجاره‌نشینی در شهر محل تحصیل خود شوند. همچنین در بعد آموزشی هم بر اساس تحقیقات به‌عمل آمده، دانشجویان غیربومی به‌مراتب موفق‌تر از دانشجویان بومی بوده‌اند.

در آزمون سراسری تصویب کرد؛ مصوبه‌ای که به سازمان سنجش این اجازه را می‌داد تا حداقل ۶۵ درصد از پذیرفته‌شدگان در دوره‌های روزانه را به‌صورت بومی استانی انتخاب کند، همچنین دانشگاه آزاد اسلامی نیز باید حداقل ۷۰ درصد از ظرفیت پذیرش خود را در تمام رشته‌ها به‌صورت بومی انجام می‌داد. اتفاقی که در عمل باعث نارضایتی داوطلبانی شد که کیلومترها از پایتخت دور بودند؛ چرا که در عمل رتبه‌های برتر داوطلبان شهرستانی که تنها هدفشان رسیدن به دانشگاه‌های استان‌های برتر بود از چرخه تحصیلات آکادمیک باز می‌مانند البته این مصوبه بعد از مدتی دستخوش تغییر در میزان ظرفیت‌ها شد؛ به‌طوری که در نهایت پذیرش در رشته‌های پرطرفدار به‌صورت ۶۰ درصد و رشته‌های کم‌طرفدار ۸۰ درصد بومی شدند.

متأسفانه در عمل این سیاست‌گذاری با شکست مواجه شده است. با گذشت بیش از ۳ دهه از اعمال بومی‌گزینی، اما طبق گزارش منتشر شده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی این مصوبه نتوانسته به اهداف از پیش تعیین شده برسد؛ به‌طوری که این مصوبه در وهله اول قرار بود مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان را کاهش دهد، در حالی که به همان میزان رشد جمعیت دانشجویی، دانشگاه‌ها با چالش‌های اسکان دانشجویی و کمبود ظرفیت خوابگاهی روبه‌رو هستند؛ موضوعی که باعث می‌شود بخشی از دانشجویان مجبور به اجاره‌نشینی در شهر محل تحصیل خود شوند. همچنین در بعد آموزشی هم بر اساس تحقیقات به‌عمل آمده، دانشجویان غیربومی به‌مراتب موفق‌تر از دانشجویان بومی بوده‌اند.

اعمال چنین مصوبه‌ای تا امروز تبعات منفی را متوجه کشور کرده است. تهدید امنیت ملی در بستر هویت ملی و مذهبی، تشدید رقابت‌های قومی و کمرنگ شدن منافع ملی، تشدید افراط‌گرایی قومی و مذهبی، افت کیفیت آموزشی و تحصیلی، تشدید

نقدی بر استدلال‌های موافقان بومی‌گزینی در استخدام مراکز دولتی

بومی‌گزینی باعث می‌شود که مراکز صنعتی که استخدام در آن‌ها در چرخه تصمیمات دولتی است بعضاً در اختیار یک قوم و طایفه مشخصی قرار گیرد. در این رابطه ابتدا تخصص و حتی تعهد به حاشیه می‌روند و جایگاه‌های قومیتی و میزان نفوذ سیاسی فرد و یا حامیان فرد خاصی ملاک تصمیم‌گیری در انتخاب پست‌ها و مسئولیت‌های مختلف می‌شود.

اختلاس‌ها، فسادهای مالی، آمارهای غلط، دست‌کاری در اطلاعات پایه، قراردادهای صوری، تبادل اطلاعات و ایجاد رانت اطلاعاتی در بین جایگاه‌های قومیتی و بسیاری از مفاسد دیگر نتیجه بومی‌گزینی است. به‌طورکلی بومی‌گزینی مواردی از قبیل: ۱. تضعیف انسجام ملی و افزایش قومیت‌گرایی، ۲. تضعیف امنیت ملی، ۳. ممانعت از هم‌افزایی فرهنگی بین اقوام مختلف کشور، ۴. تشدید نابرابری‌ها و کاهش تحرک اجتماعی، ۵. تشدید نابرابری‌های آموزشی، ۶. تضعیف زبان مشترک ایرانیان یعنی زبان فارسی را نیز به همراه دارد.

امتیاز بومی بودن از یک طرف، امتیاز خاص برای بخشی از افراد جامعه و از طرفی دیگر ایجاد محدودیت و محرومیت برای بخش دیگری از افراد جامعه به وجود می‌آورد و از این حیث نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد و آراء متعددی نیز از سوی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اعمال امتیاز و اولویت برای افراد بومی در استخدام‌های دولتی را خلاف قانون اعلام کرده است؛ لذا هرگونه تأکید بر استخدام بومی، امتیاز یا ضرایب خاص برای بومی در احراز امتیاز برای مشاغل دولتی قطعاً با روح قانون اساسی و قانون خدمات کشوری به‌عنوان ستون‌های اصلی قانون در منافع آشکار می‌باشد.

بومی‌گزینی به‌شدت مخالف با اصل شایسته‌سالاری و عدالت‌خواهی در اصول قانون اساسی بویژه بند ۹ از اصل ۳ قانون اساسی است (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد

امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی) علاوه بر آن با ماده ۴۱ قانون مدیریت خدمات کشوری (ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی که داوطلب استخدام در دستگاه‌های اجرائی می‌باشند بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها انجام می‌شود) مغایرت دارد.

محل تولد فرد (مؤلفه اصلی در بومی‌گزینی) امری انتسابی و خارج از اراده وی است و در شمار موضوعات تبعیض‌آمیز قرار می‌گیرد و تمایزگذاری بر مبنای آن غیرمنطقی و نامعقول می‌باشد؛ مثلاً زمانی که پس از برگزاری آزمون استخدامی که انتخاب یک نفر مدنظر است، اگر ۱۰ نفر واجد امتیاز یکسان مثلاً ۱۰۰ شوند، گریز و چاره‌ای از ترجیح و اولویت نیست. در این حالت، همگی از شایستگی ورود به مشاغل دولتی برخوردار هستند و صلاحدید اداره که در بحث حاضر، تقویت نیروهای محلی و بومی و رضایتمندی مردم محل است، مرجح مناسبی در این رابطه است. به‌عبارت‌دیگر در این حالت با برابری موجود بین داوطلبان و فقدان مرجح شایستگی، تبعیض پذیرفتنی است! اولویت استخدام داوطلبان بومی در آزمون‌های استخدامی مغایر اصل برابری فرصت‌ها است و بدین سبب مغایرت آن با اصل شایسته‌سالاری محرز می‌باشد. برابری فرصت‌ها که از طریق برگزاری آزمون استخدامی حاصل می‌شود و وجود رقابت آزاد و برابر، مؤلفه اساسی نظام شایسته‌سالار در حوزه استخدام در مشاغل عمومی است. بومی‌گزینی با اختصاص رقابت برای ورود به مشاغل دولتی به بخشی از اقشار جامعه یا اولویت و برتری آن‌ها بر دیگر داوطلبان، رقابت آزاد و برابر را منتفی می‌سازد.

شایسته‌سالاری بر گزینش نیروهای توانمند و متخصص برای انجام وظایف محوله دلالت دارد. بومی بودن، ویژگی و خصیصه‌ای مبتنی بر شایستگی نیست و عاملی انتسابی همانند رنگ و نژاد محسوب می‌شود. اولویت این خصیصه انتسابی بر خصایصی همچون تجربه و مهارت که ممکن است در داوطلبان

غیربومی وجود داشته باشد، بی‌شک مغایر شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی است.

خواست مراجع محلی، متوقف ساختن مهاجرت از استان‌های محروم و مرزی، یکپارچگی جمعیتی و کارایی اقتصادی از جمله این دلایل می‌تواند باشند. در این رابطه بایستی بیان داشت خواست و فشار مراجع محلی مبنی بر بومی‌گزینی در آزمون‌های استخدامی برای دستگاه‌های اجرایی که نهادهای عمومی و در پی تأمین منافع عمومی هستند و بایستی تحت حاکمیت اصل برابری و همچنین شایسته‌سالاری باشند، دلیلی قابل قبول نیست. حجم استخدام در مشاغل عمومی به‌اندازه‌ای نیست که تغییری قابل ملاحظه در موج‌های مهاجرتی ایجاد نماید و قابل قیاس و مرجح بر اصل برابری و شایسته‌سالاری باشد؛ همچنین یکپارچگی بافت جمعیتی مناطق، سیاستی حاکم در کشور نیست و حتی با عنایت به ترکیب متنوع قومیتی کشور، اختلاط جمعیتی موجبی برای درهم‌آمیختگی و انسجام و وحدت ملی خواهد بود. در خصوص کارایی اقتصادی نیز دلالتی بر تأثیر بومی‌گزینی بر این امر وجود ندارد و برعکس، اصل برابری با خروجی انتخاب افراد شایسته و توانمند، کارایی اقتصادی را نصیب نهادهای عمومی خواهد ساخت.

استخدام بومی به جهت ایجاد تبعیض ناروا، با اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۸ بند ۶ اصل ۲؛ بند ۹ اصل ۳؛ اصل ۱۹؛ اصل ۴۸ و بند ۳ اصل ۴۳ منافات آشکار دارد؛ در اصل ۲۸ قانون اساسی به‌عنوان بالاترین مرتبه از سلسله مراتب قانون به اصول مسلمی همچون: «حق کار کردن»، «ضمانت حداقل وسایل معیشت»، «رفع تبعیض در شرایط استخدام کار و تساوی فرصت‌ها» اشاره شده است. همچنین در حقوق استخدامی و کار می‌توان به بند ۱ مقاله‌نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار که دولت ایران هم در سال ۱۳۴۳ به آن پیوسته است اشاره نمود که در متن خود، عنوان «تبعیض‌آمیز» را اینگونه معرفی نموده است: «هر گونه تفاوت و محرومیت یا تقدم



مانند تهران محروم مانده‌اند. این امر منجر به تشدید محرومیت بویژه در برخورداری از امکانات آموزشی و دانشگاه‌های تراز اول کشور می‌شود که در ادامه نیز این دسته از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از دستیابی به امکانات و فرصت‌های شغلی کشور باز می‌مانند. دانش آموزان و دانشجویان خوش‌فکر و تیز و درخشان روستایی را با پنبه بومی‌گزینی سر بریدند! تا از حضور در دانشگاه‌های برتر عقب‌نگه داشته شوند! به دانشجو و خانواده وی اینگونه فهمانده‌اند که در نزدیک روستا و شهرستان محل تولد می‌توانید تحصیلات عالی داشته باشید، اگر به دانشگاه‌های مرکز و مراکز استان بروید با امکانات شما سازگاری ندارد و نمی‌توان خوابگاه و امکانات تامین نمود، فرزندان را نمی‌توان در صدها کیلومتر از وطنشان از تهاجم فرهنگی مصون داشت!! چرا به جای محروم کردن و محدود کردن داوطلبین خوش فکر در یک محدوده جغرافیایی خاص، آنها را برای تحصیل در بهترین دانشگاه‌های کشور گزینش و بورسیه نشدند و مورد حمایت قرار نگرفتند؟ داوطلبین نیز در قبال دریافت این حمایت‌ها و خدمات، متعهد می‌شدند که چند برابر مدت بورس در خدمت مراکز دولتی محدوده جغرافیایی خودشان باشند. به عبارت دیگر باید با اعمال تبعیض مثبت، گروه‌های

این سخن شاید ناشی از فرهنگ غلط و نگاه تبعیض‌آمیز نژادی و ترس از شکست بومیان در مقابل غیربومیان متخصص و با دانش‌تر باشد، یا این نگاه سنتی که استخدام غیربومی، مساوی است با سلطه‌ی آنها بر بومیان، اما این تلقی اشتباه در مقابل یک نگاه ملی و یک ملت با اهداف مشترک و با یک قانون اساسی واحد، حرفی برای گفتن ندارد؛ استخدام دولتی به دلیل استفاده از منابع بیت‌المال و مسئولیت دولت در برابر کل آحاد جامعه و مخالفت آشکار با قانون اساسی، محل اشکال است.

نقدی بر استدلال‌های موافقان بومی‌گزینی در گزینش دانشجو

فرایند بومی‌گزینی در دانشگاه‌ها که منبع مهم تأمین منابع انسانی موردنیاز مراکز دولتی می‌باشند نیز آثار مخرب خود را برجای گذاشته است. بومی‌گزینی ضمن تداخل با سهمیه‌های مناطق، موجب توزیع ناعادلانه و ناهمگون دانشجو در کشور شده است که این وضعیت به میزان قابل توجهی به زیان مناطق کمتر برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که داوطلبان مناطق محروم و کمتر برخوردار اکثراً در همان منطقه محروم پذیرفته شده‌اند و از پذیرفته شدن در دانشگاه‌های سایر شهرها به‌خصوص شهرهای بزرگ

که بر پایه نژاد - رنگ پوست - جنسیت - مذهب - عقیده سیاسی و یا سابقه ملیت آباء و اجداد یا طبقه اجتماعی برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط سلوک با کارگر را به‌کلی از میان برده و یا بدان لطمه وارد سازد؛ همچنین به قانون مدیریت خدمات کشوری در ماده ۴۱ این قانون استناد می‌شود که با تأکید به مراتب برابری فرصت‌ها چنین اشعار می‌دارد: «ورود به خدمت و تعیین صلاحیت استخدامی افرادی که داوطلب استخدام در دستگاه‌های اجرایی می‌باشند بر اساس مجوزهای صادره، تشکیلات مصوب و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصت‌ها انجام می‌شود.»

با توجه به اینکه به‌موجب بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله وظایفی است که دولت برای تحقق آن باید همه امکانات خود را به کار برد و اصل ۲۸ قانون اساسی نیز که مقرر داشته: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید» و اعطای امتیاز و اولویت استخدامی برای اشخاص بومی در هیچ یک از قوانین کشور لحاظ نشده است و امتیاز بومی بودن از یک طرف، امتیاز خاص برای بخشی از افراد جامعه و از طرفی ایجاد محدودیت و محرومیت برای بخش دیگری از افراد جامعه در این زمینه به وجود می‌آورد و از این حیث نیاز به تصریح قانونگذار دارد و آراء متعددی نیز از سوی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اعمال امتیاز و اولویت برای افراد بومی در استخدام‌های دولتی را خلاف قانون اعلام کرده است، لذا هرگونه تأکید بر استخدام بومی، امتیاز یا ضرایب خاص برای بومی در احراز امتیاز برای مشاغل دولتی قطعاً با روح قانون اساسی و قانون خدمات کشوری به‌عنوان ستون‌های اصلی قانون در منافات آشکار می‌باشد.



محروم و کم برخوردار دسترسی بیشتری به امکانات بویژه فرصت‌های آموزشی بهتر پیدا کنند. در این راستا سیاست‌گذاری باید کمک‌کننده دسترسی‌ها باشد تا شکاف‌ها و نابرابری‌های موجود رفع شود.

نظام آموزش عالی هر کشوری به دلیل اثربخشی وسیع، تأثیرات گسترده‌ای در سطوح اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه دارد؛ بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این نهاد دامنه وسیعی از جامعه را متأثر می‌کند. تحولات اخیر و ورود به عصر اطلاعات و عصر هوشمند سازی به شیوه‌های مختلف هویت کشورها را تحت تأثیر قرار داده است و از سوی دیگر زمینه را برای تحریک هویت‌های قومی در سطح جهان افزایش داده است. کشور ما کشوری دارای تنوع قومی است، بنابراین حفظ و تقویت هویت ملی کشور نیازمند اقدامات گسترده‌ای است و از همه فرصت‌ها باید استفاده کرد. مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها یکی از این فرصت‌هاست که می‌تواند در تقویت بنیان‌های هویت ملی در میان اقوام گوناگون ترک، لر، بلوچ، عرب، ترکمن و فارس نقش مؤثری داشته باشد.

جامعه‌ای که با رقابت آشنا نشود و قواعد آن را نیاموزد، در هیچ عرصه‌ای رشد نمی‌کند. دانش‌آموزانی که محصور و محدود در حوزه جغرافیایی محل تولد، محل تحصیل و ... بوده‌اند را، برای نشان دادن بر صندلی‌های دانشگاه‌های همان حوزه جغرافیایی امتیاز داده می‌شوند! آیا به این فکر شده است که با این تصمیم‌گیری، ارتباطات، وسعت یادگیری، اثرگذاری و اثرپذیری این نسل جوان، قطع می‌شود. آیا انتظار هست که گل‌های گلخانه‌ای بتوانند در برابر تلاطم‌های جوی خارج از گلخانه دوام آورند!!!

با این ابتکارها، بخش عظیمی از جوامع مناطق دور افتاده از مراکز تصمیم‌گیری در برابر امتیاز بومی دادن از فرصت کار و فعالیت، رقابت، تبلور استعداد، تولید، تأثیر گذاشتن و یادگیری، رشد و پیشرفت محروم می‌شوند. وقتی یک جوان دانشجوی کرمانی در معرض

توانایی‌های دانشجویان ۳۰ استان دیگر قرار گیرد، ضعف‌ها و توانایی‌های خود را بهتر تشخیص می‌دهد. در نظام‌های دانشگاهی که رقابت وجود دارد، خلاقیت و تولید به‌مراتب بیشتر است. فرصت ندادن به انسان‌ها که مهارت‌ها و توانمندی‌های خود را بروز دهند و به شرایط رقابت با رقیب را فراهم نکردن به نارسایی‌های روحی- روانی و در نهایت اجتماعی- سیاسی می‌انجامد. اندیشه‌های حاکم بر این ساختارها رشد و ثبات به ارمغان نمی‌آورند.

از طرف دیگر با رویکرد جذب دانشجویان بین‌المللی، این دانشجویانی که از سرزمینی دیگر وارد دانشگاهی شده‌اند که دانشجویانش در یک فرآیندی خاص، برمی‌گزینی شده‌اند، آن‌ها این دانشجویان را با همه ویژگی‌های مثبت و یا منفی، نمونه معرف کشورمان لحاظ خواهند کرد.

در سال‌های اخیر سیاست بین‌المللی کردن آموزش عالی مورد توجه سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی است. در موفقیت این سیاست کیفیت زندگی تحصیلی و امکان رقابت با نظام‌های آموزش عالی جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابراین در این راستا وجود توأمان دانشجویان بومی و غیربومی بسیار تعیین‌کننده است.

اختلاس‌ها، فسادهای مالی، آمارهای غلط، دست‌کاری در اطلاعات پایه، قراردادهای صوری، تبادل اطلاعات و ایجاد رانت اطلاعاتی در بین جایگاه‌های قومیتی و بسیاری از مفاسد دیگر نتیجه بومی‌گزینی است. به‌طورکلی بومی‌گزینی شامل مواردی از قبیل: ۱. تضعیف انسجام ملی و افزایش قومیت‌گرایی، ۲. تضعیف امنیت ملی، ۳. ممانعت از هم‌افزایی فرهنگی بین اقوام مختلف کشور، ۴. تشدید نابرابری‌ها و کاهش تحرک اجتماعی، ۵. تشدید نابرابری‌های آموزشی، ۶. تضعیف زبان مشترک ایرانیان یعنی زبان فارسی را نیز به همراه دارد.

عوامل بسیاری می‌توانند بر عملکرد دانشگاه‌ها تأثیرگذار باشند، چگونگی سنجش و پذیرش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند. سیاست بومی‌گزینی بیانگر آن است که دانشجویان مربوط به هر منطقه فقط به منطقه و بوم خود وارد شوند. این سیاست هر چند ظاهراً به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مرتبط هست ولی با عنایت به جایگاه و موقعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، ایدئولوژی‌های قومی و اگراییانه، حکایت از رشد احساسات قومی در بین اقوام ایرانی دارد. این مسئله اثرات قابل ملاحظه‌ای بر وحدت و انسجام اجتماعی ایرانیان خواهد داشت.

اعمال سیاست بومی‌گزینی با افزایش نابرابری به معنی افزایش محرومیت‌ها و عدم دسترسی قشر ضعیف‌تر جامعه به بسیاری از فرصت‌ها و حقوق آموزشی برتر باعث کاهش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی می‌شود. افزایش نابرابری، این باور و ذهنیت را که افشار و گروه‌های مختلف، سهم منصفانه خود را به دست نمی‌آورند تقویت کرده است و در نتیجه باعث کاهش تمایلات و انتظاراتی می‌شود که همکاری و مشارکت در جهت منافع جمعی را تشویق می‌کند.

بر مبنای ادعای طرفداران طرح، بومی‌گزینی موجب تحقق عدالت آموزشی می‌شود، پیش‌فرض عدالت آموزشی این است که افراد در شرایط برابری به لحاظ آموزش و امکانات آموزشی قرار دارند. آیا واقعاً افرادی که در رقابت کنکور شرکت می‌کنند در شرایط برابری قرار دارند؟ آمار و ارقام گویای آن است که در این رقابت دانش‌آموزانی با فاصله‌ای بسیار زیاد و بسیار جلوتر از سایرین در خط شروع مسابقه قرار دارند.

به‌عبارت‌دیگر سیاست بومی‌گزینی اگرچه موجب قبولی و پذیرش دانش‌آموزان بیشتری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نسبت به سال‌های گذشته شده است و دسترسی به آموزش عالی در مناطق مختلف کشور را برای متقاضیان فراهم کرده است، اما به

مراجع:

-بذرافشان مقدم، مجتبی، مهدوی شکیب، علی، خجسته بوجار، مریم، بررسی دیدگاه مدیران، کارشناسان و دانشجویان نسبت به اجرای طرح بومی‌گزینی در پذیرش دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، دوره ۴، شماره ۵، سال ۱۳۹۳.

-بلالی، اسماعیل، نقدی بر سیاست بومی‌گزینی دانشجویان: لزوم اتخاذ سیاستی جامع و تحقیق بنیاد، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، دوره: ۱۲، شماره: ۳۸، ۱۴۰۱.

-سهرابلو، علی، لطفی، حسن، بومی‌گزینی در آزمون‌های استخدامی در پرتو اصول حاکم بر استخدام در دستگاه‌های دولتی و قوانین موضوعه، فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)، سال ششم، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۸.

-سیدنورانی، سیدمحمدرضا، سادات سجادی، معصومه، فروزان، فائزه، جهانگرد، فاطمه، بررسی نقش آموزش در ایجاد سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۰-۱۳۶۰)، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۲۰، مهر ۱۳۹۴.

-علی‌پور تربتی، بهرنگ اسماعیلی شاد، زهره، علیزاده، حامد، مقایسه سرمایه اجتماعی دانشجویان بومی و غیربومی با رویکرد تحلیل سیاست بومی‌گزینی در آموزش عالی، فصلنامه تعالی تعلیم و تربیت و آموزش، دوره ۱، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۲.

-مرکز پژوهش‌ها، مجلس شورای اسلامی، بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در پذیرش دانشجوی، معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی دفتر مطالعات فرهنگی و آموزش، ۱۴۰۰.

-مهدی رضا، مقایسه کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان بومی و غیربومی دانشگاه‌های صنعتی (مطالعه موردی: دانشگاه‌های صنعتی دولتی واقع در شهر تهران، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، دوره ۱۸، شماره ۷۱، آذر ۱۳۹۵.

-TOth, Istvan Gyorgy, Income Distribution, Social Cohesion and Value structure Public Finance Focus, 26, 2011.

چند دانشگاه خاص جلوگیری می‌کند؛ چرا سطح کیفی دانشگاه‌های مناطق کم‌برخوردار را بالا نمی‌برند تا موجبات جذب دانشجویان برتر و نخبگان را فراهم آورند؟ نخبگان را در یک محدوده جغرافیایی بدون توجه به ضعف بنیادی زیرساخت‌های آموزشی و صنعتی در دانشگاه‌های استان‌های کم‌برخوردار و دور از مرکز محبوس کردن با هدف بالا بردن کیفیت دانشگاه‌ها از عدالت به دور است و عین تضییع حق آن‌ها است. با قطع دسترسی افراد مستعد محلی از امکانات آموزشی و فضای علمی دانشگاه‌های برتر از یک‌سو از شکوفا شدن بیشتر این استعدادها و شناسایی آن‌ها جلوگیری می‌شود و از سوی دیگر فرصت رقابت با دانشجویان قوی را از آن‌ها سلب می‌نماید.

الگوی بومی‌گزینی، الگوی همانندسازی است؛ یعنی اینکه در محل آموزش یا محل کار و خدمت، محیطی بدون تفاوت قومی به وجود آید. در این صورت اختلاف فرهنگی-ساختاری کاهش می‌یابد و جامعه‌ای همگن و یکنواخت حاصل می‌شود، اما این نظام اجتماعی از پایداری اندکی برخوردار است. همانند فردی که شرایط محیطی بگونه‌ای تنظیم شده باشد که هیچ میکروب و ویروسی به وی آسیب نرساند. بدیهی است اگر این فرد به هر علتی در مواجهه با ویروسی قرار گیرد به شدت آسیب‌پذیر و شکننده خواهد بود!!

وقتی نخبگان مناطق گوناگون به‌جای تعاملات و تجانس اجتماعی و فرهنگی، به‌اجبار در جغرافیای خاص مستقر شوند، به‌صورت غیرمستقیم رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای در سطح کشور رقم زده می‌شود. به‌عبارت‌دیگر رقابت‌های فردی، چند لایه بالاتر برده و به رقابت‌های قومی و ناحیه‌ای ارتقاء داده شده‌اند؛ یعنی آنکه به دست خود مرزبندی‌های سیاسی را بازآفرینی کرده‌ایم. پیامد این رویکرد، افزایش رقابت‌های منفی و سیاسی کردن مسائل اقتصادی و اجتماعی و جدا افتادگی مناطق از سرزمین مادری می‌شود. ♦♦

دلیل محرومیت بیشتر استان‌ها و امکانات اندک سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دانشگاه‌های شهرستان‌ها در مقایسه با دانشگاه‌های پایتخت و مراکز استان‌ها نوعی نابرابری را برای استعدادهای مناطق محروم دربرداشته است. در طرح بومی‌گزینی، داوطلبان تهرانی برای تحصیل در دانشگاه‌های برتر تهران با هم رقابت می‌کنند و در استانی هم چون استان کرمان باید برای دانشگاه‌های استان کرمان رقابت کنند؛ یعنی یک داوطلب تهرانی با نراز و نمره مساوی با یک داوطلب اهل کرمان، شانس بیشتری برای قبولی در دانشگاه‌های تهران دارد. کجای این عدالت آموزشی است؟ رقابت علمی از سطح ملی به سطح منطقه‌ای کشانده شده و آنگاه انتظار دارند که ارتقاء علمی در سطح استان افزایش یابد!!

یکی از علل اعمال طرح بومی‌گزینی، جلوگیری از افت تحصیلی دانشگاه‌ها عنوان می‌شود و این در حالی است که طی این سال‌ها سطح دانشگاه‌ها پایین آمده است؛ چرا که افراد با سطح علمی بالاتر کمتر اجازه پیدا می‌کنند که به دانشگاه‌های مادر و برجسته وارد شوند، در نتیجه سطح علمی دانشگاه‌ها افت می‌کند.

موافقان طرح بومی‌سازی، می‌گویند: که پذیرفته‌شدگان شهرها و نواحی مختلف کشور به‌خصوص مناطق محروم با اقامت در شهرهای بزرگ، پس از فراغت از تحصیل تمایلی به بازگشت به مناطق خود ندارند. متأسفانه به علت سیاست‌های تمرکزگرایانه و ناعادلانه دولت‌ها در توزیع منابع این چنین دژه‌های ژرفی بین مناطق برخوردار و محروم ایجاد شده است، به‌جای پر کردن و پل زدن بر این دژه‌ها، به تغییر در آئین‌نامه‌ها و شیوه‌های گزینش روی آورده‌اند.

موافقان طرح بومی‌سازی، می‌گویند: بومی‌گزینی بستر مناسبی فراهم می‌آورد تا با جذب نخبه‌های متعلق به هر استان، باعث ارتقای بیش‌ازپیش سطح کیفی دانشگاه‌های آن استان شود و رقابت علمی واقعی بین دانشگاه‌ها در کل کشور را فراهم می‌آورد و از تجمیع دانشجویان برتر در یک یا